

ناظم الدوله و اسدآبادی در لندن

امیر سعید الهی

هر چند ملکم را آدمی غربگرا و فرصت طلب معرفی کرده‌اند اما نوشته‌های او در روزنامه قانون که از ۱۳۰۷ ق پس از برکناری اش از مقام سفیر ایران در لندن با شعار «اتفاق، عدالت، ترقی» منتشر و به ایران فرستاده می‌شد از توجه ویژه‌ی وی به عنصر دین بعنوان ابزاری برای بسیج جامعه و برون رفت از شرایط آنروز ایران خبر می‌دهد. در این زمینه باید در نظر داشت که روزنامه قانون هنگامی منتشر می‌شده است که در ایران جنبش تحریم تنباکو اوج گرفته بوده و شرکت فعال علمای شیعه در این جنبش بویژه نفوذ حکم و شخصیت میرزای شیرازی، ملکم را ساخت شایسته ساخته بوده است؛ بویژه که در همان سالها اندیشه اتحاد اسلام نیز که سلطان عبدالحمید عثمانی مطرح کرده بود از سوی سیدجمال الدین اسدآبادی تبلیغ می‌شد. البته کوشش اصلی میرزا ملکم در سراسر نوشته‌هایش در این روزنامه مخالفت با میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم وقت ایران (از ۱۳۰۶ ق) و تلاش برای «ظهور يك مجلس ملی» بوده، اما پس از شماره نهم، ملکم تحولات جامعه را بر محور اسلام و اسلام‌گرایی استوار کرده است. نکته جالب آنکه ادبیات سیاسی ملکم در این روزنامه بسیار نزدیک به ادبیات سیاسی پس از انقلاب اسلامی است. بسیاری از واژه‌ها، تعبیرات و اصطلاحاتی که او در نوشته‌های خود به کار برده، در جریان انقلاب و پس از

یکی از کسانی که پس از فروپاشی سلطنت در ایران با انتقاد پاره‌ای از جناح‌های سیاسی کشور روبه‌رو شد، میرزا ملکم خان ناظم الدوله دیپلمات و دیوان سالار نامدار دوران ناصری است که بی‌گمان فراموشخانه او را باید نخستین تشکل روشنفکری و سیاسی در ایران به‌شمار آورد و هم او بود که از يك سو نخستین گام را در نقد قدرت سیاسی در ایران برداشت و از سوی دیگر منادی افکار و اصولی شد که بعدها به گونه انقلاب مشروطه پدیدار شد.

عواملی چند به مغضوب شدن او پس از انقلاب اسلامی ایران کمک کرد که شاید مهمتر از همه تفکر سیاسی او بود که ریشه در اندیشه‌های دوران روشنگری اروپا داشت و ناظر بر پیروی از اصول حقوقی و اقتصادی غرب و تجویز پیروی از تکنولوژی و صنعت اروپا در ایران بود. افزون بر این، پیشینه خانوادگی او که ریشه در مسیحیت داشت و نزدیکی او با نیروهای اصلاح طلب و روشنفکر جامعه و نیز پیوندش با دربار قاجار از عوامل دیگری بود که او را بر مسند غربگرایی و مخالفت با سنت می‌نشانند.

با اینکه ناظم الدوله در میان روحانیون هم طرفدارانی داشت اما مخالفت ملاحظه‌کنی روحانی با نفوذ دوران ناصری با اندیشه‌هایی همچون آزادی خواهی که او مروج آن بود، دیگران را در مخالفت با او دلیر ساخت و اینها بر سر هم مشکلاتی در زندگی سیاسی ملکم پدید آورد.

افزوده شده است که «از برای نجات ایران، امروز حواس و روح و امید کل ما بندگان متوجه آن عتبات عالیات است... هر راهی بنمایند عین فلاح و هر امری بفرمایند فریضه مطلق خواهد بود». (قانون، شماره ۲۰)

شاید برای کسانی که ملکم را یک غربزده باریشه خانوادگی مسیحی می دانند، خواندن و شنیدن این عبارات شگفت انگیز باشد و بویژه سخنانی که پس از این از او خواهیم آورد بر این شگفتی بیفزاید، ولی باید دانست که انتشار این مطالب همزمان بوده است با اقامت سید جمال الدین اسدآبادی در کنار میرزا ملکم در لندن و فعالیت‌های او بر ضد دولت ناصری. یکی از حقایقی که در سالهای گذشته در بسیاری از کتابهای تاریخی ما حذف یا تنها اشاره‌ای گذرا به آن شده است، همکاری ملکم با اسدآبادی در ستیز با دولت ناصری است که جا دارد پژوهشی سترگ در این زمینه صورت گیرد.

سید جمال الدین پس از اخراج شدن از ایران در شعبان ۱۳۰۸ ق به بصره رفت و از آنجا بود که نامه معروف خود را به میرزای شیرازی نوشت و سپس راهی لندن شد. «سید چندی در لندن ماند و با میرزا ملکم خان که آن وقت از سفارت عزل شده بود اغلب ملاقات می کرد و چندی در منزل او بود تا آنکه در ماه رجب ۱۳۰۹ روزنامه‌ای به زبان عربی و انگلیسی به اسم ضیاء الخافقین در لندن تأسیس کرد و در شماره دوم آن به تاریخ غره شعبان (۱۳۰۹ ق) مکتوبی را که خود سید به علمای بزرگ عتبات و ایران نوشته بود درج کرد^۱ (از روزنامه ضیاء الخافقین بر سر هم پنج یا هشت

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رایج بوده است. برای نمونه، شعار «الله اکبر»، عباراتی همچون «اردوی حزب الله» (قانون، شماره‌های ۲۱ و ۲۳). امر بمعروف و نهی از منکر (شماره ۲۴) و تأکید بر آیات قرآنی همچون «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (شماره ۳۵)، «ان هذا امتکم امه واحده» (شماره ۲۶)، و اعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» (شماره ۲۶)، «نصر من الله وفتح قریب» و «امت و امامت» در شماره‌های گوناگون روزنامه قانون به چشم می خورد.

همچنین، شیوه‌های مبارزاتی که ملکم به پیروانش آموزش می دهد، دارای صبغه‌های دینی و مذهبی است. برای نمونه، هنگام اشاره به آنها یادآوری می کند که «در هر ولایت یکی از مجتهدین را ولی قرار داده اند» (شماره ۲۶) یا رهنمود می دهد که «در هر ولایتی هستید مجتهد شهر یا امام محله را امین خود قرار دهید» (شماره ۱۱) و «هر وقت بتوانید علی‌الخصوص روزهای جمعه در مساجد جمع بشوید».

چنان که گفته شد، از شماره نهم قانون بیشتر مطالب در برگیرنده عباراتی همچون «اجرای قوانین شریعت خدا»، «اجرای احکام الهی، پر تو آفتاب اسلام و فضلالی اسلام است و تجویز می شود که: «اسلام جمیع حقایق دنیا است» - ترقی بنی آدم... از پر تو معرفت اسلام است - اصول مقدسه اسلام را در هر حال با نهایت احترام بپرستید - با جان و دل بچسبیم به مجتهدین ما - در اهمیت و قدرت ایشان هیچ حرفی نیست - دامن مجتهدین را از دست ندهیم - مرکز طبیعی دول اسلام باید در ارض اقدس و در مشهد مقدس باشد - اتحاد اسلام به چندین ملاحظه باید از اتحاد طوایف ایران شروع نماید - علمای ما... عموماً بولتیک دان بسیار دقیق هستند - اصول و مأموریت اسلام تماماً مبنی بر ترویج آدمیت است»، تا آنجا که نظر می دهد که «در ممالک اسلام هر نظامی که از خارج بیاید نه ریشه خواهد داشت نه ثمر... در ممالک اسلام نظم باید ناچار از خود اسلام ظهور بکنند». (قانون، شماره ۳۶)

شماره بیستم قانون با «عریضه، حضور با هر التور جناب مستطاب حجة الاسلام ملاذالمسلمین نایب الائمہ المعصومین آقای میرزا محمدحسن شیرازی - سلمه الله تعالی» آغاز می شود که باید در میانه سال ۱۳۰۹ ق یعنی پس از پایان جنبش تنباکو نوشته شده باشد. در این نامه از میرزای شیرازی خواسته شده است که «بقوت کلام حق، دولت اسلام را از چنگ این جانوران ملت خور خلاصی بخشد» و

○ هر چند ملکم را آدمی غریب‌گرا و فرصت طلب معرفی کرده اند اما نوشته‌های او در روزنامه قانون که از ۱۳۰۷ ق پس از برکناری اش از مقام سفیر ایران در لندن با شعار «اتفاق، عدالت، ترقی» منتشر و به ایران فرستاده می شد از توجه ویژه‌وی به عنصر دین بعنوان ابزاری برای بسیج جامعه و برون رفت از شرایط آنروز ایران خبر می دهد.

یکی از مهمترین کارهای سیدجمال‌الدین به هنگام اقامتش در لندن، نامه‌بلندی بود (شاید سرگشاده) که به ملکه ویکتوریا با عنوان «استیلاي خوف و وحشت در ایران» نوشت و پس از شرح بی‌قانونی در ایران آنروز، از دربار انگلیس خواستار شد که «تغییر در وضع حکومت ایران حاصل شود یا پادشاه معزول گردد»؛^۴ و اما چند نکته جالب در این زمینه: نخست اینکه سیدجمال‌الدین این نامه را همزمان با ناخرسندی انگلیس از لغو قرارداد رژی نگاشته و در آن خواستار دخالت دولت انگلیس برای تغییر رژیم در ایران و برکناری ناصرالدین شاه از سلطنت شده است و از قضای روزگار اندکی بعد شاه ترور می‌شود و ده سال پس از آن نیز با انقلاب مشروطه «تغییر در وضع حکومت ایران» با پشتیبانی انگلیس رخ می‌دهد؛ دوم آنکه او در این نامه در سه مورد به همکاری خود با «پرنس ملکم خان» (با همین عنوان) اشاره دارد و خود را هم‌رأی و هم‌عقیده او در لزوم برپایی قانون در ایران می‌داند. بی‌گمان اگر شماره‌های روزنامه ضیاء‌الخاقین نیز بررسی شود مطالب بیشتری در این زمینه یعنی همکاری سیدجمال‌الدین با میرزا ملکم در لندن به دست خواهد آمد.

آنچه مسلم است این است که سیدجمال در نوشته‌های خود پس از رفتنش از ایران در ۱۳۰۸ ق به گونه بسیار افراطی خواهان برکناری ناصرالدین شاه از سلطنت بوده و این معنی را نیز به میرزای شیرازی گوشزد کرده است و از او خواستار صدور فتوا در مورد مشروع نبودن سلطنت ایران شده است که البته میرزای شیرازی از این کار خودداری کرده و از او به گونه شفاهی نقل شده است که سیدرا از ریختن خون مسلمین برای این منظور منع کرده است.

در همین جا باید یادآوری کرد که هدف اصلی سیدجمال‌الدین، کشاندن ایران به زیر پرچم اتحاد اسلام و در واقع پذیرش سلطان عثمانی بعنوان خلیفه اسلام از سوی ناصرالدین شاه بوده که بی‌گمان با مخالفت شاه روبه‌رو می‌شده است. از این رو سیدجمال‌الدین خیال آن داشت که با ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در ایران از وزنه سیاسی این کشور در منطقه به سود سلطان عبدالحمید بکاهد. انتشار نامه سیدجمال‌الدین به ملکه ویکتوریا، سلطان عثمانی را به وجد آورد و پس از چندی از او خواست که به اسلامبول برود. میرزارضای کرمانی در بازجویی‌ها در این زمینه می‌گوید: «ابتدا سید قبول نمی‌کرد. آخر پرنس ملکم خان و بعضی‌ها به او گفتند همچو پادشاهی به تو اصرار می‌کند البته

○ شیوه‌های مبارزاتی که ملکم به پیروانش آموزش می‌دهد، دارای صبغه‌های دینی و مذهبی است. برای نمونه، هنگام اشاره به آنها یادآوری می‌کند که «در هر ولایت یکی از مجتهدین را ولی قرار داده‌اند» (شماره ۲۶) یا رهنمود می‌دهد که «در هر ولایتی هستیید مجتهد شهر یا امام محله را امین خود قرار دهید» (شماره ۱۱) و «هر وقت بتوانید علی‌الخصوص روزهای جمعه در مساجد جمع بشوید».

شماره به انگلیسی و عربی منتشر شده است ولی ترجمه فارسی آن در دست نیست.

ملکم در شماره ۱۸ روزنامه قانون ورود سیدجمال‌الدین را به لندن چنین گزارش می‌دهد:

«جناب سیدجمال‌الدین را وزیر تهران چرا به آن فصاحتی که اراذل اشقیاء هم نمی‌توانند تصور نمایند از ایران نفی کردند... موافق اخبار صحیح این روزها وی خود را به لندن رسانده در آنجا بواسطه تجدید روابط خود با بزرگان عصر در نهایت دلگرمی مشغول خدمات اسلام و محرک اشتغال آدمیت ایران است».^۲

سردیس رایت سفیر پیشین انگلیس در ایران در این زمینه می‌نویسد:

«ناصرالدین شاه از آزادی عملی که انگلیس‌ها به سیدجمال‌الدین اسدآبادی هنگام اقامتش در خانه ملکم در سالهای ۹۲-۱۸۹۱ داده بودند خشمگین و حیران بود... سیدجمال‌الدین در مدت اقامتش در لندن خورده حسابهای خود را با انگلیس‌ها (که باعث اخراجش از مصر شده بودند) موقتاً به بونه فراموشی سپرد و لبه تیز حملات خود را متوجه شاه ایران کرد. او که زبان فرانسه را خوب می‌دانست و قادر به تکلم این زبان بود چند سخنرانی در لندن کرد و حداقل در يك مورد مشترکاً با میرزا ملکم خان از پشت تریبونی واحد، فقدان حکومت قانون را در ایران به شدت به باد انتقاد گرفت و فساد حکومت استبدادی شاه را محکوم کرد».^۳

سالهای ۱۲-۱۳۱۱ منتشر شده باشد، برای نخستین بار با طرح فلسفه سیاسی تشیع رفته رفته مشروعیّت نظام سلطنت مورد پرسش قرار می‌گیرد. ملکم «سلطنت حالیه ایران را برخلاف اصول اسلام» معرفی و شاه را «غاصب» می‌شمارد. از دید او «حکومت مشروع متعلّق به علمای دین است که از شاه ابداً نشان و موجب قبول نمی‌کنند»؛ و «در این مملکت بدون قدرت اسلام یعنی بدون ریاست علمای اسلام هیچ کار با معنی از پیش نخواهد رفت و نجات عالم در اجرای اصول اسلام است». (شماره ۲۶)

«نظریه دولت حقّه»

با گذشت زمان و بویژه از شماره ۲۹، در مقالات قانون به طرح نظریه‌ای پرداخته می‌شود که نویسنده آنرا «استقرار دولت حقّه» (یا به تعبیر امروز حکومت عدل دینی) می‌نامد؛ دولتی که به گفته او باید «عالم را با آفتاب ریاست آقا میرزا حسن شیرازی منور سازد».

در «دولت حقّه» مورد نظر او «بواسطه تشکیل مجلس علما حدود حکومت و حقوق رعیت موافق شریعت خدا معین خواهد شد. مال و جان و مناصب و اعتبار ناموس مسلمانان محفوظ خواهد ماند... صاحب یک دولت مشروعه خواهیم شد و آن وقت در تحت عدالت شرع مقدّس، ملت زنده، ملک آباد، خدا راضی و روح اسلام شاد خواهد بود». (قانون، شماره ۲۹)

ملکم ضمن ردّ مشروعیّت دستگاه سلطنت، برای «دفع این دستگاه ظلم» به میرزای شیرازی امید می‌بندد و معتقد است که «اگر امروز از آن مسند مقدّس حکم صادر شود که به این دستگاه ظلم نباید اطاعت کرد و نباید مالیات داد یقین بدانید که در کلّ ایران هیچ مسلمانی نخواهد بود که از چنان حکم تمرد نماید». (همان) به همین سبب به نظر ملکم «ما

صلاح در رفتن است. سید آمد به اسلامبول... و تعهد کرد که عنقریب تمام دول اسلامیّه را متحد کند و همه را به طرف خلافت جلب نماید و سلطان را امیر المؤمنین کلّ مسلمین قرار بدهد... سلطان عثمانی گفته بود ناصر الدین شاه به واسطه طول مدّت سلطنت و شیخوخیّت یک اقتدار و رعبی پیدا کرده است که فقط به واسطه صلابت او علمای شیعه و اهل ایران حرکت نمی‌کنند که با خیال ما همراهی کنند و مقاصد ما به عمل نخواهد آمد. درباره شخص او باید فکری کرد. و به سید [جمال الدین] گفت تو درباره او هر چه توانی بکن و از هیچ چیز اندیشه مدار. تمام اینها را خود سید برای من نقل کرد». (اطلاعات، ۸۵/۴/۱۳، ص ۶)

از آنجا که بیشتر مقالات روزنامه قانون برگرفته از همین اندیشه سید جمال الدین است می‌توان گمان برد که بسیاری از این مقالات را او نگاشته باشد.

از دید ما، پس از آنکه پدیده تحریم تنباکو قدرت میرزای شیرازی را در بسیج مردمان به دیگران نشان داده، سید جمال و نیز میرزا ملکم هر یک به نوبه خود در صدد برآمده‌اند از این قدرت در مبارزات خود با دربار ایران بیشترین بهره را ببرند. روی هم رفته می‌توان گفت که مقالات روزنامه قانون از شماره نهم به بعد سخت زیر تأثیر افکار سید جمال الدین و اندیشه اتحاد اسلام است و بویژه از شماره بیستم که سید جمال الدین در کنار ملکم و در خانه او بوده است، چه بسا بیشتر مقالات به خامه سید نوشته شده باشد. به بیان دیگر، ظرفیّت علمی و فقهی ملکم نمی‌تواند مطالبی را که به آنها اشاره خواهیم کرد بیرون داده باشد.

چنان که گفتیم، خبر ورود سید جمال الدین به لندن در شماره ۱۸ قانون درج شده و در شماره ۱۹ آن سخنان سید جمال در جمع گروهی از پیروانش به صورت پرسش و پاسخ آورده شده است و در شماره بیستم نیز عریضه مفصلی به میرزای شیرازی که نویسنده آن باید سید جمال باشد درج شده است.

با اینکه ملکم در بیشتر مقالات این روزنامه حرمت مقام سلطنت را نگه داشته و بیشتر خواهان «اصلاح» نظام است اما در پاره‌ای از شماره‌های آن اندیشه «براندازی» همراه با توجیه شرعی آن مطرح شده تا آنجا که حکومت مشروع از آن علمای دین معرفی شده است. در برابر این تناقض، چاره‌ای نیست جز آن که این افکار را برگرفته از نظرات اسدآبادی بدانیم.

برای نمونه، در شماره ۲۶ قانون که شاید در حدود

○ یکی از حقایقی که در سالهای گذشته در بسیاری از کتابهای تاریخی ما حذف یا تنها اشاره‌ای گذرا به آن شده است، همکاری ملکم با اسدآبادی در ستیز با دولت ناصری است که جا دارد پژوهشی سترگ در این زمینه صورت گیرد.

و ستمکار و برحق و ناحق یکی پس از دیگری صحنه را ترک کردند. نخست میرزای شیرازی در ۸ شعبان ۱۳۱۲ ق در ۸۲ سالگی در سامرا درگذشت و تشییع جنازه با شکوهی از او صورت گرفت. سپس ناصرالدین شاه در ۱۷ ذیقعده ۱۳۱۳ ق در حرم حضرت عبدالعظیم ترور شد و در کمتر از یک سال پس از آن سیدجمال‌الدین اسدآبادی در ۵ شوال ۱۳۱۴ ق در اسلامبول در شصت سالگی درگذشت و اتابک اعظم (امین السلطان) نیز در همان سال از کار برکنار شد.

اما هنوز عمر ملکم باقی بود و انتشار روزنامه قانون تا سال ۱۳۱۶ ق ادامه یافت و در این فاصله با برکنار شدن امین‌الدوله از صدارت در سال ۱۳۱۴ ق و رسیدن امین‌الدوله به این مقام که در پی اصلاحات حکومتی بود، میرزا ملکم نیز به سفارت ایران در رم گمارده شد و تا پایان عمر یعنی تا سال ۱۳۲۶ ق در این سمت ماند و در آخرین روزهای زندگی تشکیل مجلس شورای ملی و ترور دشمن دیرین خود یعنی اتابک اعظم را ناظر بود.

هر چند ملکم در شماره‌های پایانی قانون نیز همچنان بر پیروی از اصول و تعلیمات اسلام و لزوم اجرای آنها پای می‌فشرد اما با خالی شدن صحنه از میرزای شیرازی و کشته شدن ناصرالدین شاه، نظریه «دولت حقه» بر پایه حکومت مراجع دینی برای چند دهه به فراموشی سپرده شد.

یادداشت‌ها:

۱. مرتضی مدرسی چهاردهی. سیدجمال‌الدین و اندیشه‌های او. تهران، کتابهای پرستو، ۱۳۴۷، ص ۴۷۰.
۲. روزنامه قانون، شماره ۱۸.
۳. دنیس رایت. ایرانیان در میان انگلیس‌ها. ترجمه کریم امامی. تهران، نشر نو، ص ۳۱۲-۱۳.
۴. نامه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی. مقدمه و گردآوری ابوالحسن جمالی اسدآبادی، تهران، کتابهای پرستو، ۱۳۵۴، ص ۴۵.
۵. اطلاعات، ۱۳۸۵/۴/۱۳، ص ۶.
۶. نامه مورخ ۲۲ رجب ۱۲۹۰ ق، ملاعلی کنی به ناصرالدین شاه (به نقل از: ابراهیم تیموری. عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران. تهران. اقبال، ۱۳۳۲، ص ۱۲۴).
۷. سید مصطفی تاج‌زاده. «انقلاب مشروطه و روحانیت» آفتاب، شماره ۲۵، (اردیبهشت ۸۲)، ص ۸.

○ پس از آنکه پدیده تحریم تنباکو قدرت میرزای شیرازی را در بسیج مردمان به دیگران نشان داده، سیدجمال و نیز میرزا ملکم هر یک به نوبه خود در صدد برآمده‌اند از این قدرت در مبارزات خود با دربار ایران بیشترین بهره را ببرند.

پیرو هر مذهبی باشیم بر ما واجب است که پیر و جوان، رعیت و نوکر، زن و مرد بر در آن حضرت که امروز حجت‌الاسلام و مرجع مسلمین است جمع بشویم و این ملت مظلوم را به قدرت این اتفاق از این جهنم اسارت خلاص نمائیم». (همان)

بدین سان برای نخستین بار موضوع کنار زدن شاه و جایگزینی آن با یک مرجع دینی مطرح می‌شود. اما ملکم معتقد است که «رئیس روحانی ملت باید خیلی بالاتر از هر شاه باشد...» (و اینکه) «چرا باید امام شرعی امت خدا فایق بر جمیع امرای عرفی نباشد؟» (همان)

البته علمای آن زمان از جمله «ملاعلی کنی» (که از مخالفان سرسخت میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله بود و آرای او را بر نمی‌تافت) «سلاطین اسلام» و «علمای اعلام» را نایب و مظهر وجوه گوناگون امام زمان در دوره غیبت می‌شناختند و بر آن بودند که خداوند متعال مقامات گوناگون حضرت حجت (عج) را میان سلاطین و علما تقسیم کرده است، که این در واقع همان نظری است که مورد پذیرش علمای دوران مشروطه حتی شیخ فضل‌الله نوری و علامه نائینی بوده است.

گویا پس از پیروزی انقلاب مشروطه نیز بحثی میان مراجع و علمای نجف در جهت کنار گذاشتن دستگاه سلطنت و واگذاری امور به علمای عصر طرح شده بود که با مخالفت آخوند خراسانی به کنار گذاشته شده است.^۷

اینکه این مباحث تا چه اندازه از نوشته‌های قانون و نظریات ناظم‌الدوله سرچشمه گرفته باشد روشن نیست، اما باید دانست که اندکی پس از طرح نظریه «حکومت حقه» که میرزای شیرازی را به سرنگونی دستگاه ناصری فرامی‌خواند، اوضاع زمانه یکسره دگرگون شد و ستمدیده



مبانی نظری اخلاق و تربیت

اسلامی

دکتر زهرا مصطفوی
انتشارات اطلاعات
قیمت ۸۵۰ تومان

نقد و ارزیابی نظریه کارزمایی

در تبیین رهبری امام خمینی (ره)

بهرام اخوان کاظمی
مرکز اسناد انقلاب اسلامی
قیمت ۲۰۰۰ تومان



تأملات و تحقیقات پیرامون

برخی مسائل فلسفه و کلام

دکتر زهرا مصطفوی
انتشارات اطلاعات
قیمت ۲۱۰۰ تومان

ضرب المثل‌های آملی

یحیی جوادی آملی
انتشارات اطلاعات
قیمت ۲۵۰۰ تومان



گوهر و صدف دین

آیت الله احمد بهشتی
با ویرایش و مقدمه دکتر سعید بهشتی
انتشارات اطلاعات
قیمت ۴۰۰۰ تومان

پله‌های سنگی

اشعار و منظومه‌ها
دکتر عبدالحسین جلالیان
انتشارات یزدان
قیمت ۷۰۰ تومان

